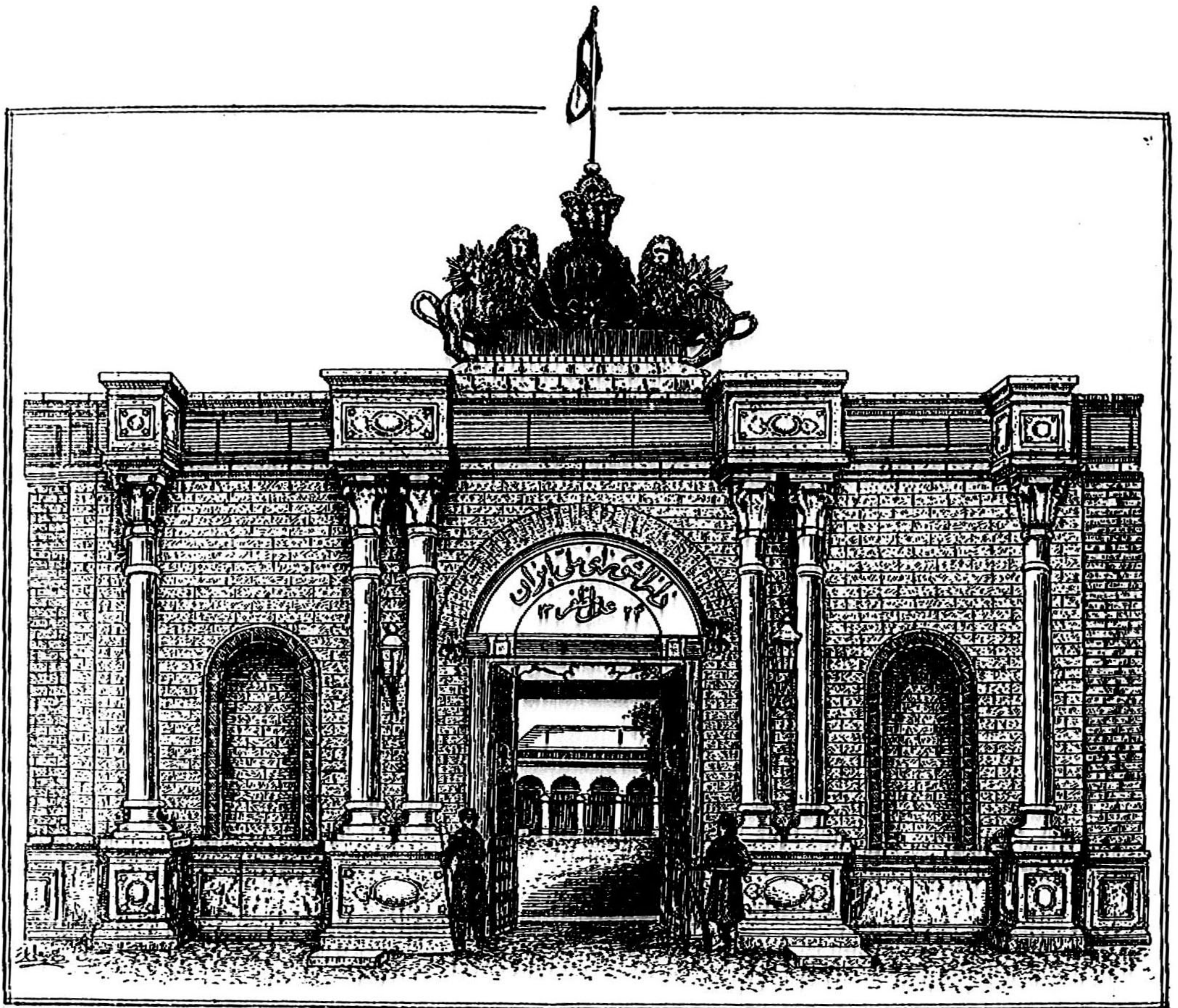


<p>جلسه ۴۶</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره دوازدهم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۶ دماه ۱۳۰۵ مطابق ۲۲ جادی الثاني ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات

عمره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	شورو مذاکره نسبت به خبر شعبه دوم راجع به نمایندگی آقای حاج میرزا مرتضی	۲۱۹	۲۲۱



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس مورخه سه شنبه ۶ دیماه ۱۳۰۵ مطابق ۲۲ جمادی الثانیه ۱۳۴۵

جلسه ۴۶

رئیس -- آقای آقاسید یعقوب
 آقاسید یعقوب -- در آن دو پیشنهاد که آروز رأی
 گرفته نشد بنده برای اینکه سابقه نشود خواستم عرض
 (مجلس دو ساعت و یکربع قبل از ظهر بریاست
 آقای تدین تشکیل گردید.)
 صورت مجلس پنجشنبه اول دیماه را آقای آقاسید
 ابراهیم ضیاء قرائت نمودند)

کنم که پیشنهاد هائیکه راجع بآن چیزی که مطرح است میشود اگر مخالف نظامنامه نباشد باید در آنها رأی گرفته شود و در این دو پیشنهاد رأی گرفته نشد. بنده عرض میکنم برای اینکه سابقه نبود که پیشنهادی که شد و مخالف با نظامنامه نیست باین سابقه رد شود خوبست توضیح داده شود باین ترتیبی واقع شود که بعد این مسئله سابقه نشود.

رئیس - اگر مقصود آن دو پیشنهاد است صحیح همانطور بوده است که عمل شده زیرا پیشنهاد هائی که در آن ها رأی گرفته میشود است بایستی راجع بمواد معلومه باشد.

نسبت بصورت مجلس ابرادی نیست.
(اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

رئیس - خبر شعبه دوم راجع بنابندگی آقای حاج میرزا مرتضی مطرح است. آقای یاسائی مخالف بودند یاسائی - بنده قبلاً خدا را گواه میکنم که در این مخالفت هیچ نظریه خصوصی بآقای حاج میرزا مرتضی ندارم. خودشان بهتر میدانند هیچوقت تماس واصطکاک بین بنده و ایشان نبوده و نیست و نظریه سیاسی هم در کار نیست امیدوارم آقایان محترم هم هیچ نظر حب و بغضی و قضاوتی که راجع بانتخابات ایشان میخواهند بکنند بکار نبرند. همچو مخلاً بطبع در پیشگاه عدل الهی بجای اینکه داریم ادای وظیفه می کنیم در این قضیه قضاوت بکنیم

انتخابات کرمان شروع شده است مثل انتخابات سایر نقاط در يك قسمت های از آنها که شهر و حومه شهر باشد مورد اعتراض و شکایت نبوده. در نتیجه استخراج آراء آن قسمتها آقای مؤید الاسلام و آقای درگاهی هر کدام دارای هشت هزار و خورده ای رأی بوده اند آقای حاج میرزا مرتضی و آقای آقا میرزا عبدالحسین هم هر کدام دارای چهار

پنجهزار رأی بوده اند. اعتراضاتیکه در انتخابات کرمان هست راجع بدوسه حوزه فرعیه آنست که در نتیجه عملیاتیکه بعضی از اعضاء انجمن نظارت مرکزی انجام کرده اند از جریان قانونی و طبیعی خارج شده است و بالاخره آقایان اکثریتی صوراً احراز کرده اند در صورتیکه بعقیده بنده اکثریت بادنفر دیگر است و لااقل این انتخابات قابل این هست که يك قضاوت عمیقی در آن بشود و آقایان بطوریکه هیچ نظر حب و بغض اعمال نکنند قضاوت عادلانه ای بنمایند.

انجمن نظارت مرکزی کرمان تشکیل شده است از اعضائی که منجمله خود آقای حاج میرزا مرتضی بوده اند و در خانم ایشان و آقای مختار الملک و آقای مظفری و سه نفر دیگر که جمعاً شش نفر میشوند اعتبارنامه را امضاء کرده اند. آقای مظفری بموجب حکم وزارت مالیه که در آنجا هست (بنده این اوراق را حاضر کرده ام برای اینکه اگر لازم باشد قرائت کنم والا آقایان اغلب دیده اند) وزارت مالیه صریحاً بوزارت داخله نوشته است که آقای مظفری مختلس است و گویا هشت هزار تومان برداشت کرده بوده است و در دوره چهارم هم آقای حاج میرزا مرتضی از وزیر مالیه وقت که بهاءالملک بود راجع بهمین شخص سؤال کردند وزیر مالیه هم جواب دادند و او را مختلس خواندند و فعلاً هم در تحت تعقیب است. قانون انتخابات صراحت دارد که هیئت نظار مرکزی باید معروف بامانت باشند بنده عرض نمی کنم ایشان محکوم شده اند ولی معروفیت بامانت غیر از متهم شدن باختلاس است خیلی تفاوت دارد کسیکه متهم باختلاس باشد با کسی که معروف بامانت باشد ایشان بحکم وزارت داخله یعنی در اثر حکم وزارت مالیه باشد از طرف وزارت داخله بوالی کرمان امر شده است که آقای مظفری باید خارج بشود و يك عضو علی البدل بجای ایشان انتخاب بشود و هر انتخابیکه باشركت ایشان انجام بگیرد بر خلاف اساس

قانون است. صریحاً وزارت داخله بوالی کرمان اینطور تلگراف کرده مطابق ظاهر قانون و نظارتی که وزارت داخله حق داشته و اعمال کرده است در این مورد آقای مظفری حق شرکت در انتخابات کرمان را بطوریکه عضو انجمن نظارت باشد نداشته اند و مداخله ایشان با قانون انتخابات چندان مطابقت نمیکند. عضو دیگر انجمن نظارت مرکزی آقای میرزا حسنخان ابراهیمی (مختار الملک) بوده اند که حالا نماینده هم و زماشیر هستند ایشان مطابق تلگرافاتی که اینجا موجود است مرتباً بوزارت داخله و ابالت نوشته اند و مخاره کرده اند که انتخابات خبیص - تکاب - سیرج - کوك اعتبار ندارند و باید تجدید شود و در موقعی هم که نایب رئیس انجمن اعلان ختم انتخابات را داده است ایشان اعلان کرده اند که انتخابات خانم پیدا نکرده و انتخابات آنجاها می باید تجدید و تمام شود. مطابق اصول قضائی هر قاضی که قبل از حکمش اظهار عقیده کرده باشد حکمش اعتبار ندارند یعنی قبل از آنکه رسیدگی ودقت بکنند اگر قاضی حکم بدهد حکمش اعتبار ندارد و آن قاضی جزو قضاة مردود میباشد. مختار الملک در تمام مکاتبات و مخاربات گفته است که انتخابات آن نقاط باطل است و باید تجدید شود بعد نمیدانم در تحت چه نائبری که گویا مربوط بانتخابات هم بوده است اعتبار نامه آقایان را امضا کرده اند در هر حال امضای ایشان درین اعتبارنامه مطابق اصول قضائی اعتبار ندارد برای اینکه اینها قاضی اولی بوده اند و قاضی ثانی و ثالث ما هستیم و در هر صورت چون ایشان قبل از رسیدگی اظهار عقیده کرده اند قضاوتشان اعتباری ندارد برای اینکه ایشان صریحاً گفته اند که این انتخابات باید تجدید شود نمیدانم بچه مناسبت بعد اعتبار نامه را امضا کرده اند. عضو سوم انجمن نظارت خود آقای حاجی میرزا مرتضی هستند مسلم است در مورد اختلاف و مشاجره و مباحثه بین اعضاء انجمن مرکزی رای ایشان از نقطه نظر قضائی مورد اثر نیست و بالاخره در هر محاکمه و قضاوتی چه در موقع وصول اعتراضات

شکایت و چه بعد از رسیدگی بآن اعتراضات قضاوت بعمل بیاید احد متداعبین یا متحاکمین را نمیشود حکم قرار داد. این مسلم است که دو نفر که با هم دعوی دارند یک نفر از آنها نمیتواند قاضی بشود و بر علیه یک نفر دیگر حکم بدهد. اینها بنظر بنده يك چیزهای مسلم پیش با افتاده است بنا بر این شش نفر از اعضاء انجمن نظارت بدون اعتراض باقیانده است و از این شش نفر سه نفر با آقایان رای داده اند و سه نفر هم با آقای مؤید الاسلام و آقای درگاهی حالا انصافاً چطور میشود رای داد؟ یعنی حقاً در صورتیکه شخص مسؤولیت وجدانی را هم قبول کند چطور میتوان رای داد باینکه ایندو نفر وکیل هستند و آن دو نفر نیستند؟ این وضع انجمن نظارت مرکزی آنجا.

در یکی از حوزه های فرعیه کرمان که موسوم است بکوبر و شاید دو بیست سیصد آبادی دارد و از حدود شمال غربی کرمان شروع میشود ناسیزده فرسخ که یکحوزه فرعیه است و در جدول قانون انتخابات هم جزء حوزه های فرعیه اسم برده شده و در آنجا هم انتخابات بجزریان افتاده و تمام شده وقتی که شروع کرده اند بقرائت آراء دیده اند آنطوری که دلشان میخواهد آراء بیرون نمی آید یعنی باسم آقای مؤید الاسلام و کسان دیگر است آنوقت يك قسمت از آراء را خوانده اند و بکقسمت دیگر را همین آقای حاج میرزا مرتضی بوسیله نوکرشان در همان کاروانسرائی که انجمن بوده صندوقاً برتاب می کنند بیرون و بزیں هم حاضر بوده میریزند و آتش میزنند

مخبر - اینطور نیست

یاسائی - همینطور است. دوسیه اینطور است. پنجهزار رأی رقیب خودشان را بهم میزنند این انتخابات نیست! آخر صورت ظاهر را باید محفوظ کرد! بعد هم سه چهار نفر از رفقای خودشان می نشینند و يك صورت ظاهری برایش درست میکنند و اگر این آراء را باطل نکرده بودند با وجود اینکه آراء خبیص و تکاب و سیرج و کوك

که باطل است و ضمیمه شده است باز هم این آقایان اکثریت نداشتند، ولی ناچار میشوند يك همچو اقدامی بکنند راه حلی که درست کرده اند برای اعدام آراء کور این بوده است که آن معلم یا ناظر انتخابات، نمیدانم، هر اصطلاحی هست، که می گویند: نماینده انجمن مرکزی بمحل رفته و انجمن را تشکیل داده ولی حاکم نماینده نداشتند در صورتیکه همان شخص از طرف نایب الحکومه نماینده بوده ولی چون نایب الحکومه بواسطه قرب جوار بشهر در شهر بوده آقایان با اعتراض اینکه نایب الحکومه خودش نبوده است این انتخابات را اعدام کرده اند. در صورتیکه بر فرض اینطور بوده است باید بحکم وزارت داخله این مسئله را ترمیم بکنند و بالاخره بی جهت يك بلوکی را نمیشود محروم کرد. زیرا اعتراض که متوجه باهالی نبوده است آنها اداء وظیفه کرده اند و در موقعی که اعلان کرده اند آمده اند و رای خودشان را داده اند. و بر فرض اگر يك قصوری هم از طرف حکومت شده است (در صورتیکه نشده و نماینده حکومت همان نماینده انجمن بوده و اعتراض هم وارده نبوده است) معذک ممکن بود ترمیم بکنند ولی نکرده اند چون دیده اند بصرفه شان تمام نمیشود. و برعکس در باغین که یکی از حوزه های فرعی انتخابات است با همان اعتراض خودشان آراء خوانده میشود ولی آراء کور باطل میشود. چون در آنجا در هزار رای بر علیه شان بوده ولی در باغین مقداری رای بر له شان بوده است. دیگر از اعتراضات اساسی که با انتخابات کرمان وارد است راجع با انتخابات قسمت شرقی خبیص و تکاب و سیرج و کوك است و در این چهار نقطه هم گویا در جدول قانون انتخابات قید شده است که باید حوزه های فرعی تشکیل بشود. انجمن نظارت مرکزی انجمن فرعی برای آنجا معین میکنند و شروع میکنند به توزیع تعرفه و اخذ رای. در وسط جریان امر با يك فشارهایی نایب الحکومه آنجا را عوض کرده و نایب الحکومه را بمیل خودشان انتخاب کرده اند و هر چه وزارت داخله گفته حالا موقع

وسط راه می گذاریم میرویم به بینیم مدیر الملك چه کرده. آقای مدیر الملك وقتی این خبر را میشوند یکمده دیگر را بجای آن نظاری که انجمن معین کرده به میل خودشان انتخاب میکنند و در آن نصف روزی که باقی مانده توزیع تعرفه و اخذ رای میکنند و انتخابات را خاتمه و آراء را قرائت میکنند. در صورتیکه این نه نفر اعضاء انجمن اظهار معتمدین محل بوده اند و نه نفری بوده اند که خود انجمن مرکزی معین کرده نه اشخاصی که از بین سی و شش نفر معین شده باشند و اقلان نه نفر عضو علی البدل داشته باشند که مطابق قانون بگوئیم چون اینها رفته بوده اند شهر نایب الحکومه باید یکمده را از اعضاء علی البدل انتخاب نموده و انتخابات را خاتمه بدهد. این طور نبوده يك نه نفری از معتمدین محل از طرف انجمن شهر کرمان معین شده بودند و در راه بوده اند و آقای نایب الحکومه بجای آنها یکمده دیگری را دعوت میکند و انتخابات را تکمیل میکند و همان انتخاباتی را که خود شان اعتراض کرده بوده اند باطل است آرائش را فوری قرائت میکنند در وسط راه که نظار میرفته اند خبر میرسد که انتخابات تمام شد و آراء هم قرائت شد و فلان کس هم وکیل شد. اینها متحیر میمانند و بر میگردند به شهر خلاصه اینکه بطلان انتخابات خبیص و تکاب و سیرج مسلم است و اعضاء انجمن مرکزی بموجب تلگرافی که بمرکز کرده اند خود آنها بطلان انتخابات آنجا را اعضاء و تصدیق کرده اند. خود آقای حاج میرزا مرتضی هم متعرض بوده اند. و تلگرافی هم که آقای میرزا عبدالحسین بخاکی مبارک همیونی مخاره کرده اند اشعار داشته اند و در آنجا هم اعتراض کرده و گفته اند این انتخابات باطل است یعنی طرفین قضیه انتخابات را باطل دانسته اند. در اینصورت بنده نمی دانم چه طور یکمرتبه انتخابات آنجا صحیح شد نایب الحکومه هم که با آنجا رفته بوده انتخابات را باطل شمرده ولی بعد که دو باره برگشته ایمان بجه مقتضای صحیح دانسته! در قسمت آراء کور

هم آمده اند و راه حلی پیدا کرده اند و گفته اند چون نزدیک شهر است اهالی آنجا بیایند در شهر تعرفه بگیرند و رای بدهند در صورتیکه آراء اهالی کور را اعدام کرده اند و وقتی که توزیع تعرفه و اخذ آراء در شهر کرمان تمام شده آنوقت گفته اند باید بیایند در شهر تعرفه بگیرند و این تناقض خیلی غریبی است!! و بعد گفته اند چون نظر این بود که اهالی کور بیایند در شهر تعرفه بگیرند و نیامده اند تفاوتی نمی کند در صورتیکه مطابق صریح قانون خود کور حوزه فرعی داشته است و کار خودشان را هم کرده بودند در هر حال بطلان انتخابات تکاب و خبیص و سیرج و کوك و اینکه انجمن نظارت حق نداشته آراء کور را اعلام کند همه اینها مسلم است. وقتی که اینها برای ما مسلم شد و دانستیم که آراء خبیص و تکاب و آنجاها باطل است و طرفین قضیه هم تصدیق کرده اند آنوقت نمایندگی آقایان حاج میرزا مرتضی و آقا میرزا عبدالحسین مشکوک است و بالاخره نمیتوان این آقایان را نماینده حقیقی کرمان دانست. بنده جریانات خصوصی قضیه را در اینجا عرض نکردم و فشارهایی که در کار بوده که مسئله چه بود و چه شده است اینها را تذکر نمیدم ولی آنچه از ظاهر دوسیه استنباط کرده ام این بود که بعرض آقایان رساندم و شاید بعضی چیزها را هم فراموش کردم بعرض رسانم که از جمله مسئله مر آسیاب شش است که یکی از حوزه های فرعی آنجا بوده است و میبایستی توزیع تعرفه و اخذ آراء بوسیله انجمن فرعی در آن محل بعمل آید. نمیدانم بچه چه بوده اطمینان نداشته اند. یا بعنوان اینکه با سواد در آنجا نبوده بهر حال هیئت نظار را خودشان انتخاب کرده اند در صورتیکه آقا شیخ فرج الله در آنجا بوده است و آنچه که بنده تحقیق کردم متجاوز از بیست نفر با سواد در آنجا بوده است. بهر حال آقا شیخ فرج الله خودتان که آنجا بود و ممکن بود ایشان عضو انجمن باشند. اینکار را هم نکرده اند حالا بنده کاری بنابین کارها ندارم و چون این مسائل اینقدرها

اهمیت ندارد بنده وارد نمی‌شوم ولی چیزی که مسلم است بطلان انتخابات خبیص و نکاب و سبج است و اینکه حق نداشته اند آراء کور را اعدام کنند وقتی که این دوقضیه را ما محرز دانستیم و در نظر گرفتیم آنوقت خیال میکنم و جیداناً نمی‌توانیم باین انتخابات رای بدهیم. حالا بنده نمیگویم که دیگری وکیل است ولی عرض میکنم مسئله مشکوک است بین این دو نفر آقایان و آن دو نفر دیگر. سه نفر اعتبار نامه باین دو نفر آقایان داده اند و سه نفر هم بآن دو نفر داده اند. حالا قضاوتی که آقایان نمایندگان باید در این مسئله بکنند البته باید بدون نظر خصوصی و حب و بغض شخصی باشد و همینطور هم هست. بنده نمیدانم آقایان در اینجا یکفردی انصاف و مروت را بکار برند و قدری هم خدا و مرگ و این جور چیزها را در نظر بگیریم و بادر نظر گرفتن تمام این مراتب آنوقت قضاوت کنیم

بامداد (مخبر شعبه) - در قسمت تقاضای قضاوت بیطرفانه خیلی از آقایان باسائی ممنونم که عوض بنده اظهاراتی فرمودند و گفتند که هیچ غرضی در کار نیست و قضاوت را بیطرفانه باید کرد و فرمودند هیچ قصدی در بین نیست و اصطلاحاً با هم نداریم بنده هم عرض میکنم خدا را بشهادت میطلبم و بمقدسات الهی که نه هیچ قصد و غرضی دارم و نه با آقای حاج میرزا مرتضی یک سوابق حسنه یا ثباتی داریم. این دوسیه آمد بشعبه دوم و گمان میکنم بقدری در این دوسیه دقت شده که چنین دقتی کمتر سابقه داشته است. ریاست شعبه با آقای پیرنیا بوده سایر آقایان هم بودند و هیچکدام هم با آقای حاج میرزا مرتضی (یعنی اغلب) اینقدرها سوابقی نداشتند.

سی و پنج جلسه در این دوسیه رسیدگی شد. دوسیه را رسیدیم اعتراضات را هم یک طرف کردیم لواط بر له و بر علیه و اعتراض و دفاع هر کدام را هم یک طرف کردیم بعد از آن کتابچه سبزا متن قرار دادیم و مطرح کردیم و شروع نمودیم با اعتراضات کتابچه سبز و آقای

حاج میرزا مرتضی را هم مکلف کردیم که جواب اعتراضات را بدهند و در نتیجه سی و پنج جلسه باین دوسیه رسیدگی کردیم و بقدری دقت کردیم که بالاخره بعضی اعضاء شعبه بفریاد آمدند که چه خبر است و دیگر رسیدگی را کافی دانستند و رأی گرفتند و تصویب شد. ما مکلف بقیب نیستیم یک شعبه مجلس شورای ملی باین محکمه قضاوت مکلف با حراز غیب نیست. غیب را فقط خدا میداند خوب حالا تکلیف چیست؟

تکلیف این است که حرفهای طرفین را بشنویم و باسناد مراجعه کنیم و کار را ختم کنیم این هم دو چیز لازم دارد یکی بیغرضی و دیگری دقت بعد هر چه انسان بعقلش رسید باید بگوید و رایش را اظهار کند

در قسمت دقت ما سی و پنج جلسه در این کار دقت و رسیدگی کردیم و اگر آقای باسائی هم دو جلسه قبول زحمت و صرف وقت میفرمودند و بشعبه تشریف میآوردند و مسئله را با یک نظر نگاه نمیکردند و با دو چشم نگاه میفرمودند یعنی حرفهای آن طرف را هم میشنیدند البته باین شدت مخالفت نمیفرمودند. بنده تصادفاً امروز که وارد شعبه دوم شدم دیدم تمام نظر این است که قسمت اعتراضات را بگویند و بایشان عرض نکردم که آخر طرف دیگر هم یک حرفهایی دارد و بالاخره قضیه دو طرف دارد معذرتاً با خود فکر کردم که عرض نکنم و بگذارم تمام اعتراضات در اینجا گفته شود و در حضور آقایان ابرادات و اظهارات اظهار بشود تا آقایان تصور نفرمایند خدای نا کرده یک ملاحظه شخصی یا غرضی در کار بوده است. بنده باز هم تاکیداً تقاضا میکنم که آقایان قضاوت عادلانه بفرمایند حالا شروع میکنم باینکه آنچه را میگویم را که آقای باسائی فرمودند جواب عرض کنم. لازم است بدو عرض کنم که قضیه اینطور که فرمودند نیست و خود بنده هم عین این احساسات را بلکه شدیدتر داشتم و مخالف بودم و وقتی هم که میخواستند باین دوسیه رأی بگیرند با اینکه بنده مخبر بودم و مکلف بحفظ بی طرفی و دفاع از رأی

شعبه بودم معذرتاً ان روز را مخالفت کردم ولی بعد چون یک اسنادی دیدم چنانکه الان هم در محضر آقایان ممکن است ارائه دهم قانع شدم و دانستم که انتخابات کرمان صحیح بوده است یک انتخاباتی بوده ما بین دو پارتنی که خیلی بشدت شروع شده است و این دو قسمت هم در همه جا همعنان میرفته اند. گاهی ایندسته و گاهی در بعضی جاها آندسته مغلوب بوده اند مثلاً در راور آن دسته کاملاً غالب بوده اند و اکثریت داشته اند منتهی بالاخره ایندسته اکثریت پیدا کرده و غالب شده اند و آن دسته مغلوب شده اند البته مغلوب هزار گونه نشیت میکنند ولی تکلیف قانونی چیست این است که کاملاً رسیدگی کنند از هر دو پارتنی هم در هیئت نظر بوده اند سه نفر آن طرف بوده اند شش نفر اینطرف. اعضاء علی البدل را نمیدانم و محل حاجت هم نیست. ریاست انجمن برادر آقای مؤید الاسلام است سید گلستانی هم با یکی دیگر آن طرف بوده اند آن وقت پنج نفر دیگر هم با خود آقای حاجی میرزا مرتضی اینطرف بوده اند. اما اینکه میگویند حاجی میرزا مرتضی در باره خودشان رای داده اند حق قضاوت ندارند و آقای باسائی میخواهند اکثریت را بهم زنند معلوم نیست چه طور شده است که ایشان حق ندارند در قانون که همچو چیزی نیست بعلاوه خیلی هم سوابق دارد. اغلب این آقایانی که انتخاب شده اند که در محل بوده اند جزء هیئت نظر بوده اند. آقای امام جمعه شیراز خودشان رئیس انجمن نظارت مرکزی بوده اند انتخاب هم شده اند. آقای میرممتاز نایب رئیس انجمن نظارت مشهد بوده اند همانطور که برای دیگران امضا داده اند برای خودشان هم امضاء داده اند. فرق ندارد. باید جریان را دید اما آقای مظفری. ایشان عضو مالیه بوده اند و معلق شده اند قانون انتخابات هم میگوید معروف بامانت و صلاحیت باشد اما باید این معروف بامانت و صلاحیت را دید کجا است الان مظفری پیش من هم معروف بامانت نیست زیرا از بس بر علیهش پروپا کاند شده است و از هر کس هم من شنیده ام میگویند انجمن نظارت

خوب نبوده است برای اینکه مظفری عضو بوده است اما باید دید که ابتدا در محل هم این تأثیر بوده است یا در نتیجه کتابچه سبز اینها القائات و تبلیغات شده که حالا بنظر ما هم لولو میاید. ایا آنوقت هم که مظفری را دعوت کردند برای عضویت در انجمن نظارت همانوقت هم همین تأثیرات بوده است؟ باید محیط را سنجید و در قضاوتها ادنی و فلسفی همه جا این شرط هست که باید محیط آن روزی را سنجید و دید با آن محیط این شخص چه طور بوده است، هیچ دلیلی نداریم بر اینکه همین عدم معروفیت بامانت و صلاحیتی که الان پیش آقای باسائی و بعضی دیگر از آقایان هست. وقتی که ایشان را بعضی دعوت کرده اند اینطور بوده. دیگر اینکه باب انهام در این مملکت باز است و خیلی اشخاص معلق میشوند. در هر ماهی سی سی و پنج فقره محاکمه در محاکات وزارت مالیه هست اشخاص متمم می شوند، معلق میشوند، و بعد هم تبرئه میشوند. میزان در همه جا دوسیه است و سند محکومیت. مظفری در هیچ جا محکوم نشده و سند محکومیت هم در دوسیه اش نیست حتی در محاکات وزارت مالیه هم چنانکه در راپرت هم عرض کرده بودم مالیه کرمان در جواب انجمن نظارت و ابالت می نویسد که ما رجوع کردیم بطهران و اسناد خودمان را فرستادیم مادامیکه محاکات مالیه طهران رأی اظهار نکنند ما نقیاً و اثباتاً نمیتوانیم درباره او رأی بدهیم برادر آقای مؤید الاسلام رئیس انجمن نظارت «محمد خادم ملت» که در تلگرافاتی هم که بوزارت داخله میکنند امضا «محمد خادم ملت» است تلگراف میکنند بوزارت داخله که آقای مظفری مختلس است، چه است، چه است و نباید عضو انجمن باشد وزارت داخله هم تلگراف میکنند «بنا بر این او را خارج کنید» آنوقت رئیس انجمن نظر برادر مؤید الاسلام در جواب وزارت داخله تلگراف می کند که هیچ مانعی ندارد. اینطور نیست وجودش هم لازم است و باید هم باشد و محلاً هیچ اشکالی ندارد این حرفها تمامش در دوسیه هست با تمام این مراتب

مجلس صرف . معروف بعدم صلاحیت . چنانکه الان اینجا پیش بنده و آقای باستانی هست بر فرض اینطورها باشد و رای او را هم اسقاط کنیم تازه باز هم اکثریت هست . مگر در مجلس شورای ملی تمام مقدرات مملکت بر رأی نصف بعلاوه يك حل نمیشود ؟ تمام مقامات شوروی این طور است . رأی مظفری را هم که اسقاط کنیم پنج نفر اینطرف میباید چهار نفر آنطرف . اما مسئله آقای مختار الملک . بنده در کیفیت اخلاق محیطی هیچکس داخل نمیشوم که این تذبذب و زدبید (از خیالی صلحشان و جنگشان) ایشان هم کاندیدا بوده اند و چه بند و بست ها کرده اند و تمام شکایتهائی هم که از نایب الحکومه بوده راجع موسی خان پسر ایشان بوده در اینجا داخل نمیشوم ، صاف و ساده عرض میکنم ، بنده خود مخالف این انتخابات بودم ، آقایانیکه در شعبه دو بودند هم حاضرند و شاهدند که بنده مخالف بودم ولی بعد اسنادی دیدم که قانع شدم نه با این طرف قصدی داشتم و نه با آنطرف . آقای مختار الملک چه کرده هیاهو که آراء را عوض کرده و چه کرده و از یکطرف هم رنجیده خاطر که از کاندیدای خودش در شهر کرمان عقب مانده و از آنطرف در هم شاید آراء پا برجائی نداشته اند بعد هم هزار فقره از او اظهار رضایت شده و آمده است اعتبار نامه را امضا کرده است خوب ممکن است آدم اشتباه کند بعد زدبید رای پیدا کند . انسان اشتباه میکند بعد که دقت میکند متنبه میشود . این منافات ندارد . و این قضاوتی هم که آقای اظهار فرمودند تشبیه غیر از عینیت و حقیقت است ما میگوئیم اینجا محکمه قضاوت است واقعا اینجا که محکمه عدلیه نیست اینجا که اصول محاکمات درش جاری نیست . تشبیه میکنیم نه اینکه واقعا طبق النعل بالنعل شعبه محکمه استیناف یا مجلس محکمه نیز باشد ما تشبیه میکنیم مشبه به دريك مشترکائی باید مثل مشبه خودش باشد ولی عینیت که ندارد که بگوئیم فلان چون يك مرتبه زدبید کرده پس باید رای او را بکلی باطل دانست . خیر . بنده هم زدبید کردم

خودم بمن نشان بدهند . خیر این مال قبل بوده و در حضور والی وقت بوده (همین خواجوی که الان هم والی است) خوب . اگر قضیه را منعکساً فرض کنیم (عکس قضیه بقول منطقیها) یعنی کور بدون حکومت انتخاباتش تمام میشد و انجمن نظارت هم قبول میکرد و اکثریت را فرض کنید طرف میبرد آنوقت يك مخالفی بر میخواست و میگفت آقایان يك انتخاباتی که هیچ مراسم قانونی درش بعمل نیامده حکومت نبوده نظارت نداشته فقط یک نفر مفتش رفته آیا این انتخابات را میشود قبول کرد و صحیح دانست ؟ آن وقت واقعا شماها قضاوت عادلانه نمیگردید که این انتخاباتی که واقعا این طور است یعنی چندین اصل قانونیش باطل است . صحیح نیست پس بنا بر این چون ندیده اند اگر بخواهند انتخابات آنجا را تجدید کنند باز يك کشمکشهای دیگری است و مالیه ورقه درخواست میخواهد و قضیه نظارت و انتخابات آنجا زندگی مخلوطی پیدا میکند در این صورت بیطلاش رأی داده اند و اعلان کرده اند که بیائید در شهر رأی بدهید . البته اگر عکس قضیه بود این ایرادها تمام وارد بود . سر آسیاب شش هم عیناً همین مسئله است . میگفتند باید نه نفر باسواد باشند بلکه سی و شش نفر باید باسواد باشند زیرا از آن میانه هیچده نفر که عضو علی البدل هم جزو همین هیچده نفر است باید انتخاب شود . آنوقت رفته اند آنجا باسواد پیدا نشده اگر بدون شخص باسواد آن معلم انتخابات را شروع میکرد هزار ایزاد وارد نبود ؟ و نمیگفتند هیچ کس نبوده که بفهمد . تو خودت رأی نوشته و ریخته بندوق ؟ حرفشان هم صحیح و منطقی بود . قضیه سالبه الموضوع بوده است باسوادی نبوده است که رأی بنویسد و نظارت کند . شیخ عبدالرحمن هم که ایشان گفتند بنده میدانم اهل محل بوده بانبوده شرایطی دارد او هم بکنفر بوده است بکنفر که کافی نیست ! باغین چیزی ندارد و طرفین اعتراض زیادی ندارند و در دوسیه هم اعتراض زیادی درش نیست . اما البته در اوایل يك

انتخابی يك نگرانی هائی از طرفین هست و شاید يك شکایت هائی میشود ولی اینکه در دوسیه اعتراض باشد خیر نیست . در خبیص و پشت کوه حرفهائی هست ولی در باغین چیزی نیست . بنده چون در دوسیه چیزی ندیده بودم در راپرت خودم هم عیناً نوشتم که سند مثبتی در اعتراض بر انتخابات باغین در دوسیه موجود نیست خود ایشان هم فرمودند اما انتخابات پشت کوه یعنی خبیص و تکاب و سیرج و کوك : چیزی که بنده را مردد کرده بود و رأی نمیدادم همین بود . همین انتخاب و شبهه تعویض آراء بنده را مردد کرده بود که رأی نمیدادم . اما مسئله تغییر نایب الحکومه : نایب الحکومه قبل از جریان انتخابات مدر الملک بوده است (که چون اسمش را میدانم لقبش را اجباراً عرض میکنم) انتخابات در جریان بوده که نایب الحکومه معزول شده و موسی خان پسر مختار الملک را میفرستند بنایب الحکومه گئی و این مسئله در انجمن نظار . در اهالی . در شهر . سوء اثری می کند و فریاد بلند میشود که در حین جریان انتخابات معزول کردن نایب الحکومه برای چیست ؟ و این دلیل است برای اینکه يك نظریاتی در کار است . از خود همین حوزه پشتکوه فشار میباید بانجمن نظارت چنانکه در دفتر صورت جلسات هم هست هر روز می آید در این مسئله مذاکره میکنند و يك مراسله بجا کم مینویسد که چه صورت دارد که نایب الحکومه را در حین جریان عمل تغییر داده اید ؟ و این مسئله سوء اثر کرده . اطمینان را سلب میکنند . و مراسلاتی هم (که بعضی از آنها مینوش هست و بعضی عین صورت مذاکرات را نوشته اند) و همین طور شکایات بوزارت داخله میشود ولی وقت هم به وزارت داخله شکایت میکنند که اینطور فشار آورده اند و قضیه اینطور است وزارت داخله هم حکم می کند و جریان عادی را عود داده و تجدید کرده اند یعنی نایب الحکومه ای را که در حین جریان معزول کرده اند مرتبه برده اند بمرجایش گذاشته اند . این بدیهی است وقتی شکایت میشود از اینکه چرا نایب الحکومه را معزول کرده اند البته اطمینان نانو نبوده است بی سابقه هم بوده است . هیچ سابقه

استخدام وزارت داخله را هم نداشته است بنا بر این معلوم میشود که بواسطه این نایب الحکومه حس دسیسه در انتخابات کرده اند که این همه فشار آورده اند. پس مدیر الملک که آنجا میرود ناچار است آن جریان را که او داشته قطع کند یعنی آن جریانی که موسی خان پسر مختار الملک بکار برده قطع کرده و آن حال عادی اولی را شروع کنند این است که گفتند صبر بکنید تا من تحقیق بکنم و دومرتبه انتخابات را بجرمان بیدارید. در این بین انتخابات شهر کرمان دچار وقفه میشود. یعنی در نتیجه اعتراضات و شکایات و تشکلات پی در پی دستجات که در شهر میشود از وزارت داخله حکم بتوقیف انتخابات می آید و بقول وزارت داخله این وقفه شش ماه طول میکشد. بعد از آن حکم شروع بتجدید انتخابات و آن جریان اولی میرسد. و همه جا ابلاغ میکنند. بجزیب هم ابلاغ می کنند. مدیر الملک هم نظار آنجا را دعوت کرده و آراء را خوانده اند. حالا نظار آمده اند در شهر و گفته اند ما امنیت جانی نداریم و ما را می کشند و صندوق را گرفته اند اینها قضایائی است که قدری محل دقت است. آن کسی که امنیت جانی ندارد آقا محمود برادر کوچک آقای مؤید الاسلام است. چنانکه یکی دو شکایت که رسیده هیئت نظار زیر آن نوشته اند توسط آقا محمود برادر کوچک آقای مؤید الاسلام و باقی نظار سر جای شان بوده اند. مدیر الملک هم بعد از آن حکم شروع بتجدید انتخابات کرده و همان جریان را بکار انداخته. حالا بچه دلیل بنده در این قسمت خود داری داشتم؟ بدیهی است. حالا اگر بنده خود داری بکنم. بر خلاف وظیفه خودم کرده ام که خاطر نمایندگان را از جریان حقیقی مسبق نکرده ام تا بتوانند قضاوت حقیقی فرمایند. اوراقی که در دوسیه هست ما همه را علیحده کرده ایم. با غین را علیحده - کور را علیحده - شهر را علیحده. اعتراضات تمام حاضر است که نوشته اند منشی انجمن و رئیس و نایب رئیس انجمن نظار و خیلی خیلی

خدارا بشهادت میطلبم که از روی عقیده و بدون هیچ نظری حرف میزنم. چنانچه در حضور خود آقای حاج میرزا مرتضی هم گفتم مخالفم ولی بعد که اسناد را دیدم موافق شدم و الان هم دفاع میکنم زیرا این اسناد بنده را قانع کرده است و چون دیدم آقا این اسناد را آوردند بنده هم خواستم بیاورم ولی دیدم چندان مورد احتیاج نیست اسناد را علیحده گذاشته ایم کلید هم در جیب آقای بنی سلیمان است اسناد هم توی قفسه است. بسم الله. از اینجا تا شعبه دوم هم چند قدم بیشتر نیست ممکن است بفرمائید و ملاحظه کنید. ایکاش کسیکه دیگران را دعوت میکند بقضاوت عادلانه خودشان همینقدر قبول زحمت میفرمودند که اسناد طرفین را به بینند. البته باید اسناد طرفین و عقیده شعبه را بمجلس اظهار کرد آنوقت جای قضاوت بیطرفانه است. يك قسمت دیگر را هم آقا فرمودند و خیلی هم مهم هست و آن کودنای انتخابات است که بنده منتظر اظهار آن قسمت بودم و آن قسمت در کتابچه نیست و حالا اگر مخالفی پیدا شد و کودنای انتخابات را تذکر داد آن قسمت را هم بنده عرض میکنم که قضیه از چه قرار بوده است.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. (بعضی میگفتند - کافی نیست)

یاسائی - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات. رئیس - بفرمائید.

یاسائی - عرض میشود فرمایشاتی آقای بامداد فرمودند که اسناد دوسیه کاملاً تکذیب میکنند و بنده تنها میکنم از آقایان که اجازه بدهند این اوراق خوانده شود تا معلوم شود که آنچه در این دوسیه است برخلاف آن است که آقا فرمودند. این تقاضای بنده است و علت این هم که میگویم مذاکرات کافی نیست همین است. فقط چند دقیقه مهلت بدهند که این اوراق خوانده بشود تا به بینند قضیه مفکوس هست و صورت مجلس آخری و آن

چیز هائیکه بعد تهیه کرده اند جعلی است نه که آقا فرمودند. باینجهت بنده مذاکرات را کافی. و استدعا میکنم آقایان هم رای بکفایت مذاکرات ندهند و بگذارند يك قضیه بیطرفانه و آزادانه قضاوت شود زیرا بالاخره رای که دست خودتان است ولی قضیه را خوب تشخیص بدهید و خوب مستحضر بشوید که جریان چه بوده است بعد قضاوت کنید و رای بدهید. دیگر منوط برای آقایان است.

رئیس - رای گرفته شود بکفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای احتشام زاده قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم دوسیه انتخابات کرمان بکمپسیون تحقیق خاصی که عده آن شش نفر و از شعب شش گانه انتخاب خواهد شد رجوع شود تا با مطالعات لازمه در اینموضوع رای داده شود

رئیس - بفرمائید

احتشامزاده - بطوریکه خاطر آقایان نمایندگان

مستحضر است انتخابات کرمان وضع غریبی داشته و حقیقتاً در خارج از مجلس يك چشمهائی نگران و متوجه مجلس شورای ملی هستند و البته در همه مورد مجلس شورای ملی و آقایان نمایندگان باید بایک دقت و مطالعات زیادی رای بدهند و همین کار را هم میکنند و مخصوصاً در يك مواقعی که مردم خارج بیشتر مراقبت دارند بنده معتقدم که برای حفظ حیثیات مجلس آقایان باید بیشتر مطالعه و دقت کنند تا قضاوتی که میکنند برخلاف قانون اساسی و عدالت نباشد و مورد انتقاد بعضی عناصر واقع نشود و بطوریکه بخرمتر شعبه هم فرمودند بکمقدار از نوشتن جازا شعبه دوم ندیده است

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست.

احتشامزاده - خودشان فرمودند که نوشتن جانی بود

که در جوال بسته بود و مربوط بود بانجمنهای فرعی و ما آنها را ندیده بودیم بعد آقای حاج میرزا مرتضی روزی که شعبه باعتبار نامه ایشان رأی داده بود روز بعد بمن نشان دادند. اینها يك اظهارانی بود که خود آقای مخبر کردند و این بهترین دلیل است باینکه يك قسمت از دوسیه دیده نشده است

(همه نمایندگان)

احتشامزاده - اجازه بفرمائید بنده صریحاً راعرض کنم اینها يك مسائلی بود که خود آقای مخبر شعبه اظهار کردند. گفتند نوشتجانی بود که شعبه ندیده بود و بعد ما مراجعه کردیم و آنها مربوط بود بحوزه های فرعی و بعقیده بنده آن نوشتجات در قضاوت آقایان تأثیر کلی خواهد داشت و برای اینکه يك قضاوتی نکرده باشم که بعد پشیمان بشویم و یا مورد تنقید واقع شویم بنده برای حفظ خيئت مجلس و اینکه يك رأی میدهیم از روی دقت باشد بنده معتقدم که این کمیسیون تشکیل شود و دقت بیشتری شود تا اگر آقایانیکه نظر موافق دارند و انتخابات آنجا را صحیح میدانند بیشتر دقت کرده باشند و ماها هم که مخالفیم شاید در اثر این دقت و مطالعه موافق بشویم و رفع اشتباه از ما بشود. زیرا علت ندارد اعتبار نامه يك و کبلی بافتاد رأی تصویب شود بگذارید باصد رأی تصویب شود و اسباب پشیمان نشود بنده از آقایان استرحام میکنم که موافقت بفرمایند يك کمیسیون خاصی از شعب شش گانه انتخاب شود برای آنکه بنام نوشتجات مربوطه باینکار مخصوصاً بنوشتجانی که خود آقای مخبر فرمودند دیده نشده رسیدگی شود و از این جهت بود بنده پیشنهاد کردم که يك کمیونی مرکب از شش نفر از شعب شش گانه انتخاب شوند و در اینکار بیشتر غور کنند تا يك چشمهائیکه از خارج مراقب این عملیات هستند بماتنقید نکنند و مام وظیفه وجدانی خودمانرا مطابق وظیفه قانونی عمل کرده باشیم دیگر بسته بنظر آقایان است

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده تصور میکنم که پیشنهاد آقای احتشامزاده يك قدری جنبه مخالفت داشت یعنی در توضیحاتی که دادند بیشتر عنوان مخالفت بود - آقای مخبر فرمودند سی و پنج جلسه باینکار رسیدگی شده و در يك شعبه با بودن شخصی مثل آقای مؤمن الملك در اینکار در جلسات زیادی رسیدگی شده و بابك دقت هر چه تمام تر باوراق مخالف و موافق رسیدگی شده دیگر با این ترتیب بنده گمان نمیکم چیزی باقی مانده باشد که محتاج برسیدگی باشد و تصور می کنم محتاج بتشکیل کمیسیون جدید هم نباشد و بنده از آقای احتشام زاده تقاضا میکنم پیشنهاد خودشان را مسترد دارند زیرا دلائل طرفین از مخالف و موافق گفته شد - آقای یاسائی بعنوان مخالفت شرحی اظهار کردند و آقای مخبر هم دفاعاً جواب دادند دیگر بسته برای مجلس و قضاوت خود آقایان است.

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای احتشامزاده آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند. (چند نفر قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای یاسائی قرائت می شود (مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم - خبر شعبه مجدداً بشعبه برگردد و ثانیاً در آن تجدید نظر شود. رئیس - آقای یاسائی -

یاسائی - فرمودند اعضاء شعبه کاملاً بدوسیه رسیدگی کرده اند - بسیار خوب. بنده شخصاً به قضاوت آقای مؤمن الملك معتقدم و اگر ایشان تصدیق بفرمایند که این انتخابات صحیح بوده حاضر همین الان رای بدم - ایشان رئیس شعبه بوده اند و در راپرت هم با قید اینکه باین ترتیب به مجلس راپرت بدهید انضاء کرده اند و بنده هر چه نگاه کردم ندیدم که آقای مؤمن الملك ضریحاً

تصدیق کرده باشند - در هر حال بنده باین کار کاری ندارم يك اظهارانی آقای بامداد کردند که لازم میدانم که ایشان را مراجعه بدم بهمان اوراقی که فرمودند دیده نشده - و با آن حس آزاد بخواهي که بنده در ایشان سراغ دارم و با آن جبهه بی غرضی که نشان دادند گمان میکنم پس از مراجعه بآن اسناد بهمان عقیده اولی خود بر کردند - چون آن دلیل که ایشان دیده اند بنده ندیده ام معلوم میشود ایشان در بدو امر مخالف شدید بوده اند بعد موافق شده اند ولی آن چیزهایی که فرمودند از دوسیه بیرون میآید بنده گمان نمیکم يك چیزهای خوبی بیرون بیاید بنده عرض میکنم آراء کور را اعدام کردند و گفتند مردم باید بیابند شهر رای بدهند و این در موقعی بوده که آراء شهر کرمان هم خاتمه پیدا کرده - در مرداد ماه آراء خاتمه پیدا کرده و در شهریور ماه گفته اند بیابند رای بدهند - دیگر مردم چطور و چه وقت بیابند رای بدهند؟! میفرمایند راجع بیانی حوزه ها اعتراضی رسیده است در صورتیکه ...

آقا زاده خراسانی - بنده اخطار دارم - ماده ۶۳ را تذکر میدهم.

رئیس - ماده ۶۳ شامل اینجا نیست

آقا زاده خراسانی - چرا. راجع بهمین جاست اختصار در مذاکرات است

رئیس - راجع باینجا نیست

فاطمی - راجع بهمین جا است

رئیس - ماده ۶۳ را بخوانید تا مسبقاً شویید (خطاب باقاي یاسائی) بفرمائید

یاسائی - راجع بمدير الملك آقای بامداد اظهار کردند که والی کرمان بوزارت داخله نوشته که این شخص نایب الحکومه سابق بوده است چه بوده است در صورتی که والی هیچ وقت يك چنین تلگرافی نکرده است و

رفعه الدوله رفیق خودشان راپرت داده اند اینکه فرمودند نظار فرعی خبیض اعتبار نامه باقاي حاج میرزا مرتضی داده اند در اینجا هیچ معمول نبوده است که انجمن نظار فرعی اعتبار نامه بکسی بدهد بطور کلی يك اعتراضات و شکایانی شده بر این که انتخابات تکاب باطل است صورت مجلس هم نداشته اند اهالی تلگرافی بوزارت داخله و بر رئیس الوزراء می کنند و تقاضا می کنند که رئیس استیناف ومدعی العموم بیابند باینکار رسیدگی کنند اینها همه در دوسیه است و اسناد خارجی نیست بنده هم از خارج عرض نمی کنم و گمان میکنم آقای مخبر اینها را فراموش کردند جواب بدهند راجع بآراء کور در اینجا فرمودند شکایانی از خارج رسیده بود این شکایت بامضاء ومهر محمد ابراهیم نام بوده که در شهر کرمان مدرس صرف ونحو بوده است و معروف بوده است چهارده سال است مرده است ولی مهر او را در چهارده سال بعد از فوت بورقه اعتراضیه زده اند برای اینکه آراء آنجا را باطل کنند. راجع بمظفری فرمودند که در محل خیلی مقدس و معتمد بوده است ...

رئیس - این استدلالان راجع به پیشنهاد نیست

یاسائی - بهر حال بنظر بنده برای مطالعات کاملی که لازم میدانم نمایندگان محترم در این دوسیه بکنند بنده این پیشنهاد را کردم که این دوسیه برگردد بشعبه و دومرتبه شعبه تشکیل شود و بنده هم حاضر بروم در آنجا توضیحات بدم و آقایان هم توضیحات بدهند شاید بنده وسایر مخالفین را متقاعد کنند

رئیس - ماده شصت و سه نظامنامه برای اطلاع معترضین قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده شصت و سه - اصلاحاتی که در ضمن شور نانوی پیشنهاد می شود در صورتی که از طرف کمیسیون ارجاع آن خواسته نشود صاحب اصلاح بطور اختصار

آرا توضیح و استدلال میکند

قیام فرمایند -

(عدهٔ قلبی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد - پیشنهاد آقای احتشام زاده هم تقریباً در همین زمینه است رای گرفته میشود بخبر شعبهٔ دو . . .

ضیاء - بنده پیشنهاد تنفس کرده ام .

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میشود : نیمساعت تنفس داده شود -

بعضی از نمایندگان - رای بگیریید

رئیس - رای گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانی که

تصویب میکنند قیام فرمایند -

(عدهٔ قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

(در اینموقع چند نفر از نمایندگان از مجلس خارج شدند)

رئیس -- (پس از چند دقیقه تامل) آقای بهار

بهار - تنفس بدهید خود شما هم میتوانید تنفس بدهید

رئیس -- بلی عده کافی نیست چند دقیقه تنفس

داده میشود .

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و فاصله نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

شریعت زاده - در خصوص مالیات

رئیس -- عده برای مذاکره کافی نیست (خطاب

به پیشخدمت) بگوئید آقایان تشریف بیاورند (پس از

چند دقیقه سکوت) آقایان حاضر نمیشوند . جلسه ختم

میشود - جلسهٔ آتیہ روز پنجشنبه سه ساعت قبل از ظهر

دستور هم بقیه دستور امروز

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس -- کافی است - بهتر این است که موافقین

آزادی بدهند بمخالفین اگر مطمئن هستند که رای خواهند داد؛ رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای باستانی آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(معدودی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد . پیشنهاد آقای ضیاء

بشرح ذیل خوانده شد

پیشنهاد میشود راپرت شعبه دوم از دستور امروز

خارج شود -

آقای سید ابراهیم ضیاء -- نظرباینکه راپرت شعبه دوم

چند روز قبل همانطوریکه آقای مخبر قرائت کردند منتشر

شد و در يك قسمت مخصوصاً اشاره شده است که توضیحات

جامع ری . لدی اللزوم بعرض نمایندگان محترم میرسد و

امروز هم اشاره فرمودند باینکه يك قسمت از اعتراضاتی که

شده است وارد نیست و اظهار کردند که بعضی امپار جعلی بوده

است ماها عمداً تامل کردیم که اسناد راجع بعدم صحت این

اظہارات را بعد از بیان خودشان بعرض آقایان برسانیم

اسنادهم حاضر است ولی حالا ممکن نشد و آقایان

بکفایت مذاکرات رای دادند حالا نتیجۀ این پیشنهاد

چه میشود؟ نتیجۀ این میشود که آقایان موافقین

همینطور که آقای مخبر فرمودند باینکه چشم نگاه نمیکنند

و با هر دو چشم نگاه خواهند کرد معترضین هم خوب دقت

می کنند ناموافق عقیده و نظر ایشان معلوم شود که

این امپار جعلی است باینست و نظر باینکه توهینی وارد

میشود باشخاصی که معروف و محترم هستند بنده پیشنهاد

کردم از دستور امروز خارج شود و ممکن است در دستور

جلسهٔ آتیہ گذارده شود -

رئیس -- آقای بیات -

بیات - رای گرفته شود

رئیس -- رای گرفته میشود باین پیشنهاد آقایان موافقین